info@payamdaily.ir
نخستین روزنامه صبح البرز
پیام آشنا
شماره ۲۷۰۸
شنبه / ۲۷ بهمن / ۱۴۰۳
۱۶ / شعبان / ۱۴۴۶
15 / February / 2025
صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باقر حیدری
نشانی: کرج بلوار تعاون-خیابان فرهنگ-جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۲۳۸۳۸-۳۲۵۲۴۳۴۲-۰۲۶-فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی=۶۷/۸۰
چاپ کارگر

امروز با حافظ

نفسِ بادِ صبا مُشک‌فشان خواهد شد
عالَم پیر دگرباره جوان خواهد شد
ارغوان جامِ عقیقی به سمن خواهد داد
چشمِ نرگس به شقایق نگران خواهد شد

زخاک کوی تو بوی هوا معطر شد
ز نور روی تو شب همچو مه منور شد
سیف فرغانی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۲۶	۰۶:۵۲	۱۲:۲۱	۱۷:۴۸	۱۸:۰۷

برگه

زمان شما محدود است، پس این زمان محدود را با زندگی کردن بر اساس اعتقادات دیگران هدر ندهید...
استیو جابز

دیدگاه

دو هفته کافی بود تا ترامپ مضحکه جهان شود

دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ با آشفتگی شدید همراه شده و حتی حامیانش را سردرگم کرده است. طرح او برای تبدیل غزه به یک منطقه تفریحی، نشانه‌ای از بی‌ثباتی سیاست‌هایش تلقی شده است. همزمان، ایلان ماسک با نفوذ گسترده در حوزه فناوری، رسانه و سیاست جهانی، به بازیگری کلیدی تبدیل شده است. این وضعیت تضاد عمیقی در نقش رهبران سیاسی و چالش جدیدی برای دموکراسی ایجاد کرده و دولت ترامپ را به مضحکه‌ای بین‌المللی بدل ساخته است.

به گزارش پیام آشنا، فرارو با انتشار تحلیلی به قلم آرون سولومون، استاد دانشگاه مک گیل و تحلیلگر ارشد نشریه نیوزویک نوشت: دونالد ترامپ همواره به دلیل اظهارات غیرمعمول و گاهی غیرمنطقی‌اش شناخته شده است، اما روزگاری همین اغراق‌های او به گونه‌ای طراحی شده بودند که هدفی استراتژیک را دنبال کنند. او از این اغراق‌ها برای منحرف کردن توجهات، تسلط بر چرخه خبری و هدایت بحث‌ها به مسیر دلخواهش استفاده می‌کرد. اما اکنون به‌نظر می‌رسد که این رویکرد جای خود را به هرج‌ومرج داده است.

ترامپ چگونه با طرح غزه توجهات را منحرف می‌کند؟

امروز، ترامپ شخصی است که تنها در چند هفته نخست دور دوم ریاست‌جمهوری‌اش، از یک تصمیم بحث‌برانگیز به تصمیمی دیگر سُر می‌خورد تا حدی که حتی نزدیک‌ترین حامیانش نیز در همراهی با او دچار مشکل شده‌اند. اظهار نظر اخیر او درباره غزه، حتی در زمره طرح‌های ضعیف هم نمی‌گنجد. این خیال‌پردازی تب‌آلود مردی است که گویا ابتدایی‌ترین اصول تاریخ، دیپلماسی یا استراتژی نظامی را نمی‌داند و واقعیت این است که غزه نواری از زمین جنگ‌زده و شدیداً مورد مناقشه در قلب یکی از پیچیده‌ترین و دیرپاترین درگیری‌های معاصر است. تصور این که ایالات متحده به‌سادگی بتواند کنترل اوضاع را به دست بگیرد و آنجا را به یک منطقه ساحلی لوکس تبدیل کند، چیزی است که اگر وحشتناک نبود، مضحک به نظر می‌رسید. این طرح دقیقاً چگونه عملی خواهد شد؟ آیا ترامپ پیشنهاد می‌کند که نیروهای آمریکایی به زور دو میلیون فلسطینی را جابجا کنند؟ آیا ارتش آمریکا قرار است ویرانه‌های این فاجعه انسانی را به اقامتگاه‌های لوکس تبدیل کند؟ حتی برای استانداردهای عجیب‌ترین اظهارات ترامپ، این طرح بسیار فراتر از حد معمول به‌نظر می‌رسد. اگر بخواهیم بدبینانه‌تر تفسیر کنیم این چیزی جز تلاش ناامیدانه‌ای برای منحرف کردن توجهات نیست: تلاشی بی‌پرده برای دور کردن ما از مسائلی که ترامپ نمی‌خواهد به آنها پرداخته شود.

ایلان ماسک از رئیس جمهور آمریکا قدرتمندتر شده است؟

در اینجا، با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که شاید بتوان آن را تغییر نقش‌های قدرت نامید: تغییری که طی آن، ایلان ماسک به شخصیتی تبدیل شده که نفوذ عملی و تصمیم‌گیری‌هایش از بسیاری جنبه‌ها فراتر از رئیس‌جمهور رسمی ایالات متحده می‌رود. این موضوع نه یک نظریه توطئه، بلکه شرحی از جابه‌جایی قدرت در یک منظومه مدرن است. در حالی که دونالد ترامپ همچنان با اظهارات بی‌پایه و سیاست‌های پراکنده دست و پنجه نرم می‌کند، ماسک به‌طور مداوم دامنه نفوذ خود را گسترش داده است. او امروز با مجموعه‌ای از شرکت‌ها و پروژه‌های کلیدی از استارلینک گرفته تا هوش مصنوعی و زیرساخت‌های ارتباطی توانسته شبکه‌ای از قدرت ایجاد کند که نه‌تنها به هدایت فناوری‌های آینده کمک می‌کند، بلکه به او امکان تأثیرگذاری مستقیم بر افکار عمومی و حتی تصمیم‌های سیاسی می‌دهد. تصاحب توییتر یا ایکس، به او ابزار بی‌نظیری داده است که شاید در بسیاری موارد از نفوذ رسانه‌ای کاخ سفید نیز فراتر رود. استارلینک، شبکه‌ای که در مواقع بحران و جنگ همچنان اینترنت را فعال نگه می‌دارد، به او امکان می‌دهد که نه‌تنها یک بازیگر اقتصادی، بلکه بازیگری ژئوپولیتیکی باشد. همزمان، در حوزه هوش مصنوعی، ماسک مسیرهای آینده این فناوری را تعیین می‌کند. در مقابل، ترامپ همچنان مشغول ارائه اظهاراتی غیرواقعی درباره توسعه املاک در مناطق جنگ‌زده است. اظهاراتی که هر روز بیشتر از واقعیت‌های میدانی فاصله می‌گیرند. این وضعیت تضاد آشکاری ایجاد کرده است. در یک نظام دموکراتیک، رئیس‌جمهور باید نقش تعیین‌کننده‌ای در دستور کار ملی داشته باشد. اما آنچه امروز می‌بینیم، رئیس‌جمهوری است که گویی توانایی تمرکز بر واقعیت را از دست داده و در مقابل، شخصیتی همچون ایلان ماسک که هرچند به‌شدت بی‌ثبات و پراکنده عمل می‌کند، ولی همچنان معیارها و سیاست‌های کلیدی در حوزه فناوری و اقتصاد را تعریف می‌کند. این تضاد، نظام دموکراتیک و نقش سنتی رهبران سیاسی را به چالش می‌کشد. از یک سو، ترامپ به شخصیتی غیرقابل پیش‌بینی تبدیل شده که حتی وفادارترین حامیانش را سردرگم کرده است. از سوی دیگر، ماسک با وجود انتقادات گسترده به‌طور فزاینده‌ای نقش سیاست‌گذار اصلی را بر عهده گرفته است.

ترامپ در مسیر بی‌ثباتی؛ آیا آمریکا می‌تواند او را کنترل کند؟

اگر هر رهبر دیگری در جهان چنین پیشنهادی مطرح می‌کرد، واکنش‌ها احتمالاً ترکیبی از تمسخر و نگرانی بود. تصور کنید امانوئل ماکرون اعلام کند که سودان را تصرف کرده و به پیست اسکی تبدیل خواهد کرد یا نخست‌وزیر ژاپن بخواهد اوکراین را به یک پارک تفریحی مبدل سازد. چنین ادعاهایی نه‌تنها از سوی رسانه‌ها و سیاستمداران، بلکه از سوی عموم مردم به‌عنوان نشانه‌ای از عدم تعادل یا صلاحیت برای مدیریت جدی گرفته نمی‌شد. اما در مورد ترامپ، وضعیت متفاوت است. جامعه بین‌المللی و حتی بسیاری از ناظران داخلی از بیان حقیقت درباره رفتار او طفره می‌روند: این رفتار عادی نیست. برخلاف دوره نخست ریاست‌جمهوری او، زمانی که هنوز برخی محدودیت‌ها بر او اعمال می‌شد، در دوره دوم هیچ‌کس نمی‌خواهد یا نمی‌تواند او را مهار کند. نتیجه این آزادی عمل، آشفتگی بی‌سابقه‌ای است. نیویورکر در ماه نوامبر پیش‌بینی کرده بود که دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ به یک «شور جهانی انتظام» تبدیل خواهد شد و اکنون همین پیش‌بینی در حال تحقق است. سیاست‌های بی‌پروا، تصمیمات متناقض و ریاست‌جمهوری‌ای که به نظر می‌رسد از همین آغاز به آستانه فروپاشی رسیده است. این دوران را به چیزی شبیه به یک نمایش مضحک، اما خطرناک بدل کرده است. نیویورک تایمز گزارش داد که تنها دو هفته کافی بود تا دولت دوم ترامپ به یک مضحکه بین‌المللی تبدیل شود. سوال اساسی این است که این وضعیت تا چه حد می‌تواند ادامه یابد پیش از آنکه دیگر کسی نتواند به ظاهر عادی آن تظاهر کند؟

گزارش روز

تیغ‌زنی در حاشیه امن!

۱۹ بهمن ۱۴۰۳، حادثه‌ای در یک بیمارستان تهران رخ داد که توجه جامعه پزشکی و مسئولان را به‌شدت به خود جلب کرد. در جریان یک بازدید مشخص شد که تعدادی تکنیسین بدون حضور جراحان، اقدام به انجام جراحی در اتاق‌های عمل کرده‌اند. اتفاقی که بیشتر شبیه سکانسی از سریال طنز در حاشیه ساخته مهران مدیری بود که حالا نه در قالب تلویزیون بلکه در چارچوب واقعیت اتفاق افتاده و یک نمایش غم‌انگیز از بی‌نظمی و بی‌مسئولیتی را بار دیگر در برابر چشم‌های نگران جامعه پزشکی و مردم به نمایش گذاشت!

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام جم، ۱۹ بهمن ۱۴۰۳، حادثه‌ای در یک بیمارستان تهران رخ داد که توجه جامعه پزشکی و مسئولان را به‌شدت به خود جلب کرد در جریان یک بازدید مشخص شد که تعدادی تکنیسین بدون حضور جراحان، اقدام به انجام جراحی در اتاق‌های عمل کرده‌اند. اتفاقی که بیشتر شبیه سکانسی از سریال طنز در حاشیه ساخته مهران مدیری بود که حالا نه در قالب تلویزیون بلکه در چارچوب واقعیت اتفاق افتاده و یک نمایش غم‌انگیز از بی‌نظمی و بی‌مسئولیتی را بار دیگر در برابر چشم‌های نگران جامعه پزشکی و مردم به نمایش گذاشت!

هرچند که در پی این حادثه، سرپرست دادسرای جرایم پزشکی دستور پلمب سه اتاق عمل بیمارستان را صادر کرده و هفت تکنیسین بدون رابطه استخدامی با بیمارستان، به همراه دو جراح عمومی، مهرزن، متخصص بیهوشی و مسئول اتاق عمل به کلانتری منتقل شدند اما واقعیت تلخ این است که این ماجرا مشتی از خروارها تخلفاتی است که از آن پرده برداشته شده و همین اکنون شاید دهها نفر دیگر از مردم جان‌شان زیر دست تکنیسین‌هایی باشد که در حاشیه امن مجازات پنج میلیونی، طبابت‌های‌شان هر روز قوت بیشتری می‌گیرد؛ موضوعی که اردیبهشت همین امسال نیز محمد رئیس‌زاده، رئیس سازمان نظام پزشکی کشور نسبت به ورود سونامی گونه تکنیسین‌ها در مداخلات غیرمجاز انتقاد کرده بود.

مجازات‌های جامانده از تورم

ماجرای پرتکرار دخالت افراد غیرمتخصص و فاقد صلاحیت در امر پزشکی در ایران یکی از دهها چالش اصلی نظام سلامت است؛ موضوعی که سال به سال بر تعداد قربانیان این حوزه می‌افزاید. درحال حاضر آمارها نشان می‌دهند سالانه حدود ۴۵ هزار نفر به‌دلیل اشتباهات پزشکی و دارویی آسیب می‌بینند. این درحالی است که در ایران پروتکل مشخصی برای ثبت شکایات پزشکی وجود ندارد که به همین دلیل احتمالا در پشت این آمارهای رسمی، بسیاری از موارد به‌سادگی از نظرها پنهان می‌مانند. اما قسمت جالب ماجرا این است که به‌رغم جدی شدن این معضل در سیستم سلامت کشور و روز آمدی روش‌های مختلف برای سودجویی در این بازار آشفته، قوانین و مجازات‌ها در طول این چند دهه نه فقط به‌روزرسانی نشده بلکه مجازات یک تا سه سال حبسی که درسال ۱۳۳۴ برای دخالت افراد غیرمتخصص در حوزه پزشکی درنظر گرفته‌شده بود، از سال ۷۴ حذف و تنها جریمه نقدی پنج میلیون تومانی باقی مانده است؛ مبلغ جریمه‌ای که این روزها در کنار تورم و سودهای کلان ناشی از برخی فعالیت‌های پزشکی، شوخی و طنزی بیش نیست.

دکتر ذبیح‌الله واحدی، مشاور حقوقی سازمان نظام پزشکی در گفت‌وگو با جام‌جم در این‌باره می‌گوید: یکی از تخلفات و رفتارهای خلاف شئون پزشکی که سابقه زیادی هم دارد، بحث دخالت در کار پزشکی است یکی از مصادیق آن این است که افرادی که دارای پروانه و صلاحیت علمی و فنی نیستند به کارهای تشخیصی و درمانی مبادرت بورزند. این الفاظ همگی به معنای خاص خود به‌کار رفته چون ممکن است فردی ادعا کند که کار را به لحاظ فنی یا تخصصی بلد بوده یا حتی دکتر کاری را به او سپرده است. حال سوال این است آیا چنین توجیهاتی کفایت می‌کند تا فردی در کار پزشکی دخالت کند؟ پاسخ منفی است چراکه علاوه بر تخصص باید فرد دارای پروانه باشد. این موضوع تا حدی اهمیت داشته که ۷۰ سال پیش قانون مقررات پزشکی به تصویب رسیده و در ماده ۳ آن تاکید شده که هرکس به دخالت در امور پزشکی مبادرت کند مجرم است و حتی گفته شده که اگر کسی از افراد فاقدصلاحیت استفاده کند، او هم مجرم است.

وی می‌افزاید: در آن زمان مجازات یک جریمه نقدی بود و علاوه بر آن یک تا سه سال هم زندان مقرر شده بود. در سال ۶۷ قانون جامع مقررات پزشکی در امور بهداشت و درمان نیز این مسأله را جرم‌انگاری کرد که به شرح ماده ۴۴ این قانون می‌توان این دو مقررات را با هم اجرا کرد. جالب است در اصلاحات بعدی این قانون در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار گرفت.

مشاور حقوقی سازمان نظام پزشکی ادامه می‌دهد: به‌رغم وجود این قوانین، اشکال اساسی در وقوع و تکرار اتفاقات این چنین نظیر این بیمارستان آن است که قانون بازدارنده مصوب سال ۱۳۳۴ در سال ۱۳۷۴ اصلاح شد و مجازات حبس آن حذف و به جای پنج میلیون جریمه نقدی درنظر گرفته شد که با توجه به نرخ تورم اکنون پنج میلیون تومان اصلا مبلغی نیست.

البته در مصوبه ۴ تیرماه ۱۴۰۳ هیات دولت اعلام شد که جریمه پنج میلیونی به ۵۸۰ میلیون تومان در بار اول و یک میلیارد و ۱۶۰ میلیون تومان برای دفعات دوم و بیشتر افزایش یافته است که تا حد زیادی می‌تواند در بحث دخالت پزشک‌نماها در امور پزشکی بازدارندگی ایجاد کند اما واحدی می‌گوید که این لایحه هنوز در مجلس تصویب نشده و به همین دلیل اجرایی نمی‌شود.

عرصه را بر متخلفان تنگ کنید

واحدی با بیان این که تصویب مجازات‌های بازدارنده برای دخالت افراد فاقد صلاحیت در حوزه پزشکی یک اقدام حاکمیتی مهم است، مطرح می‌کند از سال ۱۴۰۱ طرح و لایحه‌ای در سازمان نظام پزشکی کشور تصویب شد که مجازات‌ها تشدید شود. اکنون این طرح به وزارت بهداشت ارسال شده و در سامانه ثبت طرح‌های شورای اسلامی ثبت شده اما هنوز به نتیجه نرسیده است. وی با بیان این که اکنون مجازات‌های ما بازدارنده نیست، می‌گوید: مقامات عالی‌رتبه نظام سلامت باید به‌عنوان یک ضرورت اورژانسی این موضوع را بررسی کنند چراکه به‌دلیل مجازات‌های پایین، اکنون موارد دیگری هم وجود دارد.

مشاور حقوقی سازمان نظام پزشکی می‌افزاید: جزای نقدی باید در حدی باشد که فرد را منصرف کند یا مجازات‌های تبعی باشد، مانند این‌که اگر کسی مبادرت به این کار کند، حداقل از فعالیت‌های مهم اجتماعی محروم شود، مثلا اجازه کسب و کار در کشور نداشته، تبعید یا از خدمات بانکی محروم شود به‌طور کلی باید آنچنان عرصه بر این افراد تنگ شود که جرأت انجام چنین کاری را نداشته باشند.

اقتصاد و فرهنگ؛ دو عامل اساسی تخلف

واحدی در رابطه با علت تکرار دخالت افراد در امور پزشکی می‌گوید: یکی از عوامل، عامل اقتصادی است که باعث یک انحراف عمیق می‌شود مثلا یک پرستاری تعریف می‌کرد که پزشکی از او خواسته که پرونده بیمار را بنویسد. چون پزشک گفته که کل عمل بیمار ۳۰ میلیون تومان بوده، تنها پنج میلیون تومان آن به پزشک می‌رسد؛ بنابراین پزشک انگیزه‌ای برای نوشتن پرونده نداشته و پرونده بیمار به پرستاری سپرده می‌شود که اصلا در اتاق عمل نبوده و این پرونده مبنای ادامه درمان می‌شود. اگر مسائل اقتصادی در این حوزه حل نشود و تعرفه‌ها به تعرفه‌های بین‌المللی نزدیک نشود، پزشک مسئولیت زیادی احساس نمی‌کند و وقتی این پرده دریده شد دیگر عادی می‌شود وی می‌افزاید: از طرفی ما باید با تقویت بیمه‌ها و اجرای پزشک خانواده از فشار ناشی از افزایش تعرفه‌ها بر مردم نیز بکاهیم و در این صورت است که جرم به‌صورت مبنایی از بین می‌رود. پیشنهاد ما این است که یک کمیته صیانت از پزشکی در کشور تشکیل شود و همه موارد کنار هم گذاشته و یک تصمیم واحد گرفته شود.

مشاور حقوقی سازمان نظام پزشکی ادامه می‌دهد: علاوه بر توجه به بعد اقتصادی، بعد فرهنگی نیز باید تقویت شود؛ به این صورت که باید در کمیسیون بهداشت و درمان حداقل دو تا چهار واحد درسی درخصوص بحث حقوق پزشکی در همه رشته‌ها تدریس شود. اکنون این واحدهای درسی وجود ندارد و یک واحد برای پزشکی قانونی وجود دارد، درحالی‌که دانشجویان باید از همان ابتدا با حوزه‌های پزشکی و عواقب تخلف در این حوزه آشنا شوند.

مکث

آسیبِ صداها

این صداها که در طول روز، در هر مکان و زمانی که باشیم، گاه مدام شنیده می‌شوند، آثار مثبت و منفی فراوانی بر روح و روان ما می‌گذارند، که گاه از آن بی‌خبریم، از صدای موسیقی روح نوازی که به انتخاب خود به آن گوش می‌سپاریم گرفته تا فریادهای دستفروش‌های مترو، که تقلا می‌کنند تا اجناس خود را به مسافران بفروشند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از آرمان ملی، همه ما از لحظه برخاستن از خواب تا هنگامی که در انتهای روز، رهسپار رویا می‌شویم و چشم‌ها را برهم می‌گذاریم، صداهای مختلفی را می‌شنویم. این صداها که در طول روز، در هر مکان و زمانی که باشیم، گاه مدام شنیده می‌شوند، آثار مثبت و منفی فراوانی بر روح و روان ما می‌گذارند، که گاه از آن بی‌خبریم، از صدای موسیقی روح نوازی که به انتخاب خود به آن گوش می‌سپاریم گرفته تا فریادهای دستفروش‌های مترو، که تقلا می‌کنند تا اجناس خود را به مسافران بفروشند.

در همین راستا، یک روانشناس و جامعه‌شناس درباره انواع آلودگی‌های صوتی به «آرمان ملی» گفت: بحث آلودگی صوتی یکی از مواردی است که در بهداشت کار مطرح شد و به تدریج در حوزه روانشناسی کار وارد شده است و اکنون یکی از سرفصل‌های اصلی روانشناسی صنعتی و سازمانی و روانشناسی شغلی است که به طور اخص در حوزه بهداشت کار، در بخش بهداشت روانی کار، خیلی بر آن تاکید دارند. یک سری شاخص‌هایی برای سنجش حجم صداهای محیط کاری داریم و اینکه چه صداهایی نرمال محسوب می‌شود و چه صداهایی خارج از آن. یک دامنه‌ای از صداها را که به آن حجم صدا می‌گویند. حجم صدا شامل هم فرکانس و هم دسی‌بل. به طور معمول، حجم صدا زمانی که از ۷۰ دسی‌بل بیشتر شود برای شنوایی آسیب‌های ساختاری ایجاد می‌کند. اما حجم صدایی که ۶۰ دسی‌بل است یا ۵۵ دسی‌بل و قس علی هذا اینها هم فشار را هستند و روی ذهن انسان اثرگذار هستند. به عنوان نمونه زمانی که فرد در یک محیط ساکت استراحت می‌کند و یا زمانی که خسته است و یا مثلا زمانی که می‌خواهد تمرکز کند اگر دقت کنید می‌بینید که حتی تیک تاک یک ساعت هم که ممکن است به دیوار باشد منجر به این می‌شود که فرد نتواند بخوابد و عصبی‌اش می‌کند. اما این به عنوان یک ملاک برای آلودگی صوتی نیست. آلودگی صوتی یکسری تعریف‌های خاصی دارد. برحسب مکان‌های شغلی و برای مکان‌های زندگی، تعریفش متفاوت است. مثلا می‌گویند برای اتاق خواب به این شکل است و برای اتاق نشیمن و اتاق عادی این حجم از صدا مناسب است. برای محیط‌های اداری، صنعتی و ساختمانی باز متفاوت خواهد بود. از یک حدی شدت صدا بیشتر باشد باید افراد و صاحبان کارها و مشاغل به زیردستانشان امکاناتی برای محافظت از این آلودگی صوتی ارائه دهند که به طور معمول شامل گوشی‌هایی است که احتمالا دیدید. این گوشی‌ها به طور معمول یک گنبد خالی است و دور گوش قرار می‌گیرد و صداهای غیرانسانی را کاهش می‌دهد.

این روانشناس با اشاره به صداهای تجهیزات الکترونیکی افزود: یکی از آیتم‌هایی که برای بحث آلودگی صوتی داریم، آلودگی‌های صوتی ناشی از تجهیزات الکترونیک تلفن همراه است. منظور از آلودگی‌های صوتی ناشی از تجهیزات الکترونیک، یک بخش آن زنگ تلفن همراه است، بخشی از آن زنگ‌های نوتیفیکیشن، بخش دیگر هم صداهایی است که به صورت ویس درمی‌آید و می‌تواند موزیک باشد، می‌تواند تماس‌ها یا فایل‌های صوتی باشد. دلیل این آلودگی این است که یک مقدار زیادی صداها به صورت فشرده است. فرمت‌های فشرده منتقل می‌شود صدا آنالوگ نیست و به صورت دیجیتال منتقل می‌شود. صدا زمانی که دیجیتال می‌شود، فایل‌ها به ویژه فایل‌هایی که فرمت‌های فشرده است، یعنی مثل ۳□□ اینها آمدند و یک سری برش‌هایی را در صدا گذاشتند. آزمایشی که انجام دادند در مردمان بدوی که در بخش‌هایی از شرق مالزی هستند و مناطق دیگری که از تکنولوژی به دور هستند، وقتی فایل‌های فرمت‌های فشرده را برای این افراد گذاشتند این افراد گفتند که این صداها چرا اینقدر بریده بریده است و گوش‌هایشان را گرفتند. اما ما متوجه این مساله نمی‌شویم، زیرا مرتبا این صداها را شنیدیم و به آنها عادت کردیم.

سردرد و استرس؛ اثر آلودگی صوتی

وی درباره اثراتی که آلودگی صوتی برجا می‌گذارد، افزود: یکی از مهم‌ترین اثراتش ایجاد سردرد به‌خاطر فشاری که به مجاری شنوایی و حلزون گوش می‌آید، فرد دچار سردرد می‌شود. در حقیقت این صدا چون یک موج است ضربه می‌زند. این ضربه‌های موج، در کانال شنوایی منجر به درگرفتن نواحی گوش و داخلش و پخش شدن این درد به سر است، که در نهایت فرد دچار سردرد می‌شود. این سردرد خودش به خودی خود، یک عامل مهم برای بحث سلامت روان و آسیب زاست.

این روانشناس با بیان اینکه انواع آلودگی‌های صوتی می‌تواند سبب افزایش استرس شود گفت: مسائل صوتی، به تدریج سبب می‌شوند که فرد دچار استرس و اضطراب بسیاری شود از همه اینها بدتر، تلفیق استرس و اضطراب است که با این امواج وارد زندگی فرد می‌شود. یک بخش دیگری از این آلودگی‌های صوتی که در محیط‌های امروزی است، عدم رعایت استفاده از تجهیزات الکترونیک است. شما در یک محیط کاری هستید، در محیط زندگی خانه هستید مدام تلفن زنگ می‌خورد، نوتیفیکیشن پیامش می‌آید، یا فردی با تلفن خود با صدای بلند صحبت می‌کند که منجر به آزار دیگران خواهد شد.

وی با اشاره به بخش دیگری از آلودگی صوتی افزود: بخش دیگری از آلودگی صوتی که به‌خصوص در شهرها با آن مواجه هستیم، ناشی از تردد وسایل نقلیه یا کارهای ساختمانی و یا سروصدای دیگر افراد است، که به ویژه بحث کارهای ساختمانی و تردد خودروها، از عوامل عمده آلودگی صوتی به شمار می‌روند که به‌شدت بحث سلامت روان را کاهش می‌دهند.

وی درباره انواع اثرات جسمی و روانی آلودگی‌های صوتی نیز گفت: آلودگی‌های صوتی به شدت در کیفیت اسپرم در مردان و توان باروری در زنان، تاثیر منفی دارد. در سقط ناخواسته چنین تاثیر بسیار زیادی دارد و منجر به افزایش آن می‌شود. اثبات شده است که منجر به کاهش ضریب هوش کودکان و منجر به افزایش اختلالات یادگیری، افزایش حالت اضطرابی و اختلالاتی مثل بیش فعالی و نقص توجه در کودکان، نوجوانان و بزرگسالان می‌شود. اینکه در افرادی که اختلالات سنگینی دارند مثل اختلالات روان پریشی که نیازمند مصرف دارو و بستری است در جوامعی که شلوغ است، افراد تنش‌های بیشتری دارند، دزهای داروی سنگین‌تر و از کار افتادگی بیشتر و پاسخ کمتر به درمان. همچنین مشخص شده است که آلودگی‌های صوتی از نظر روانی منجر به کاهش بازده شغلی و بهره‌وری شغلی در محیط‌های سازمانی و کاری می‌شود.

آرام‌تر صحبت کنیم!

این جامعه‌شناس درباره راه‌های پیشگیری از تبعات آلودگی صوتی، گفت: ساده‌ترین کار، کاهش عوامل ایجاد آلودگی صوتی است. یکی از گزینه‌هایش این است که ما فرهنگ سازی کنیم تا تلفن‌های همراه افراد سایلنت باشد یا صدای زنگ آنها پایین‌تر باشد. در محیط‌های کاری مانند شرکت‌ها، روشن بودن زنگ تجهیزات الکترونیک را منع کنیم. در محیط‌های کاری، اجازه تماس‌های تلفنی داده نشود. به افراد آموزش داده شود که نیاز نیست داد بزنند و با صدای آرام‌تری صحبت کنند. بحث بعدی عایق سازی محیط است که تجهیزات زیادی است که ما در کفپوش و دیوارها و سقف می‌توانیم به کار ببریم برای عایق سازی و کاهش صداهای پیرامونی که اینها موارد ساده‌ای است که می‌شود انجام داد. استفاده از پنجره‌های دوجداره و عایق کردن قاب آنها نیز هم کمک بسیار زیادی در حفظ انرژی می‌کند، هم منجر به کاهش بسیار زیاد آلودگی‌های صوتی محیط بیرون می‌شود. در کنار این موارد می‌شود از تجهیزات کاهش صدا هم استفاده کرد. همچنین رعایت کردن یک سری اصول رفتاری برای اینکه مزاحم دیگران نشویم، می‌تواند موثر باشد که این مساله هم نیازمند فرهنگ سازی و آموزش است. در عین حال می‌شود در معرض بخشی صداهای آرامش بخش هم قرار گرفت، مانند صدای آب، باد و پرنده که حداقل برای لحظاتی، فرد را آرام می‌کند.

اشاره

ابعاد یک بمباران تبلیغاتی

حجم بالایی از تبلیغات برخی از سکوهای خرید و فروش طلا در حقیقت می‌تواند یک نیاز کاذب و عطش در جامعه به وجود آورد و تقاضا را زیاد کند حال پرسش این است که با توجه به محدود بودن میزان ذخایر طلا، آیا می‌توان به این همه تقاضا پاسخ داد؟ اگر جو روانی یا هر دلیل دیگر موجب شد که میلیون‌ها نفر به یکباره از این سکوها، طلای خود را مطالبه کنند، آیا امکان تحویل طلای فیزیکی واقعا وجود دارد؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از جهان نیوز، این روزها شاهد یک‌نوع بمباران تبلیغاتی برای خرید و پس انداز طلا به صورت آنلاین هستیم. سکوهای مجازی خرید و فروش طلا مردم را ترغیب می‌کنند که با هر مقدار سرمایه‌ای که دارند بیایند و در حساب مجازی خود، طلا ذخیره کنند و در واقع، از این طریق، سرمایه خود را در برابر تورم و کاهش ارزش پول حفظ کنند.

در این راستا، اخیراً نیز سردار منتظرالمهدی، سخنگوی فراجا گفته است: «مردم به دارا بودن و اخذ نماد تجارت الکترونیکی در سکوهای خرید و فروش طلا توجه و سپس اقدام به مبادله کنند و تحت تأثیر تبلیغات فیک در فضای مجازی قرار نگیرند.»

چند نکته که باید در این زمینه به آن توجه کرد:

یک: تبلیغات گسترده و شرایط اقتصادی، برخی از مردم را به سمت خرید طلا سوق داده است و در این میان، برخی سکوهای مجازی خرید و فروش طلا نیز فرصتی برای عرض اندام پیدا کرده‌اند.

دو: خرید و فروش طلا، به خودی خود، ممنوع و مذموم نیست؛ اما اولاً این سکوها باید مجوز کافی داشته باشند؛ ثانیاً در واقعیت هم باید طلایی وجود داشته باشد که براساس آن، معامله صورت گیرد و به اصطلاح شاهد خالی فروشی و کلاهبرداری نباشیم. این ادعا که امکان تحویل فیزیکی طلا وجود دارد هم به تنهایی کفایت نمی‌کند و باید بررسی‌های بیشتری صورت گیرد.

سه: با توجه به‌اینکه احتمال وقوع جرایمی مانند کلاهبرداری و خالی فروشی در این شیوه فروش طلا وجود دارد، دادستانی نیز با ورود به موضوع سکوهای آنلاین طلا از مردم خواسته است با احتیاط بیشتری در این زمینه عمل کنند؛ چراکه در حال حاضر پرونده‌های متعدد در دادسراها در حال رسیدگی است که نشان‌دهنده گستردگی تخلفات است.

چهار: بدون شک میزان ذخیره طلای کشور، محدود است. طلا، پفک نمکی یا بیسکویت نیست که به راحتی بتوان آن را تولید، ذخیره و یا وارد کرد و به بازار فرستاد! طلا یک فلز گرانبهاست؛ نه به سادگی به دست می‌آید و نه به این سادگی می‌توان میزان ذخیره آن را در کشور افزایش داد.

پنج: این حجم از تبلیغات برخی از سکوهای خرید و فروش طلا در حقیقت می‌تواند یک نیاز کاذب و عطش در جامعه به وجود آورد و تقاضا را زیاد کند. حال پرسش این است که با توجه به محدود بودن میزان ذخایر طلا، آیا می‌توان به این همه تقاضا پاسخ داد؟ اگر جو روانی یا هر دلیل دیگر موجب شد که میلیون‌ها نفر به یکباره از این سکوها، طلای خود را مطالبه کنند، آیا امکان تحویل طلای فیزیکی واقعا وجود دارد؟

شش: پرسش دیگر این است که اگر روزی به هر دلیلی برخی از این سکوها ورشکست شوند و یا توانایی تحویل طلا –در صورت درخواست مشتریان– را نداشته باشند، در آن صورت، سرمایه مردم چه می‌شود؟

در سال‌های گذشته در مورد برخی موسسات مالی و اعتباری تجربه تلخی داشته‌ایم و کار به جایی رسید که عملاً یک چالش امنیتی برای کشور به وجود آمد. همچنین در دوره‌ای، عده‌ای، مردم عادی را ترغیب کردند که سرمایه و زندگی خود را به بورس بیاورند و سهام بخرند؛ حال اینکه بسیاری از مردم از ساز و کارهای بورس اطلاعی نداشتند و در این میان، سرمایه‌هایشان نابود شد.
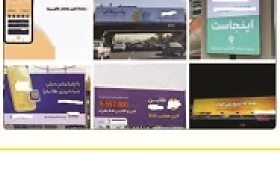
هفت: در هر صورت، هم مردم باید با احتیاط بیشتری رفتار کنند هم سکوهای مجازی خرید و فروش طلا باید مجوزهای کافی را دریافت کنند و به این موضوع توجه کنند که براساس آن مقدار دارایی طلا که دارند معامله کنند و هم اینکه پلیس، دادستانی و سایر نهادها همواره با حساسیت، فعالیت این سکوها را دنبال کنند و با سکوهایی که مجوز کافی ندارند و یا احیاناً در حال تخلف هستند، برخورد کنند.